



## نکته های متن پژوهی (۲)

محمد مهیار

و همچنین کمال الدین اسماعیل می گوید:

شمع گردون ضعیف و اندک نور

بر مثال چراغ دزدان است

دیوان: کمال الدین اسماعیل، چاپ حسین بحرالعلومی، ص ۴۸۵

### مأخذ بیتی از نجیب کاشانی

کلیات نجیب کاشانی سروده نورالدین محمد شریف

کاشانی (۱۰۶۲-۱۱۲۳ هـ ق) با مقدمه و تصحیح و تعلیقات

دکتر اصغر دادبه و مهدی صدری، مرحمتی میراث مکتوب

را مطالعه می کردم، چشمم خورد به این بیت معروف:

خمیازه کشیدیم به جای قدح می

ویران شود آن شهر که میخانه ندارد

(ص ۲۰۳)

در حاشیه آمده است «بیتی است معروف از وحدت

کرمانشاهی (درگذشته ۱۳۱۰ هـ ق) که ورد زبان هاست،

بدین صورت:

یک ناله مستانه ز جایی نشنیدیم

ویران شود آن شهر که میخانه ندارد

پیداست که وحدت مصرع دوم را تضمین کرده و

مصرع اول را خود سروده است، اما علی رغم شهرت بیت

وحدت، اهل سخن دانند که بیت اصلی، یعنی بیت نجیب تا

چه پایه هنرمندانه است و صنعت استخدام در مصرع

نخست تا چه پایه استادانه.

نکته ای که بنده می خواهم اضافه کنم آن است که

محمدطاهر نصرآبادی در تذکره خود بیت وحدت

کرمانشاهی را به محمد کاظم ولد محمد صادق از نجبای قم

نسبت می دهد، و بیت را این گونه نقل می کند:

یک ناله مستانه ز جایی نشنیدیم

ویران شود آن شهر که میخانه ندارد

تذکره نصرآبادی، چاپ احمد مدقق یزدی، ص ۵۵۵

### مأخذ شعر کتیبه اخوان

هنگامی که مرحوم اخوان ثالث شعر زیبا و معروف کتیبه

را با محتوایی اجتماعی و سیاسی با زبانی روایت گونه سرود

در صدر آن این مثال عرب را آورد «أطمع من قالب

الصخره»، اما گویا بن مایه شعر کتیبه این جمله از ابوالحسن

علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی باشد که می گوید:

«واز ابراهیم ادهم - رحمة الله علیه - می آید که: سنگی دیدم

بر راه افکنده، و بر آن سنگ نبشته که: «مرا بگردان و بخوان.»

گفتا: «بگردانیدمش، بر آن نبشته بود که «انت لا تعمل بما

تعلم فکیف تطلب ما لا تعلم»

کشف المحجوب هجویری، چاپ دکتر عابدی، ص ۱۸

### چراغ و شمع

در مثنون گذشته گاهی شمع و چراغ با هم مقایسه شده

است و شمع مرتبه بالاتری از چراغ دارد، یا حداقل شمع

بسیار پرفروغ و چراغ بسیار کم فروغ معرفی شده است، علت

این امر البته به خاطر آن است که در گذشته در چراغها

نفت سیاه یا پیه و یا روغن می ریخته اند که در نتیجه در

مقایسه با شمع، نور کمتری داشته و هم بوی بسیار

نامطبوعی را تولید می کرده است. مثلاً حافظ می گوید:

ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

دیوان حافظ، چاپ خانلری، ص ۲۰

و یا در غزلیات سعدی می خوانیم:

اول چراغ بودی آهسته شمع گشتی

آسان فرا گرفتیم، در خرمن اوفتادی

غزلیات سعدی، چاپ حبیب یغمایی، ص ۱۷۶

و نیز در امثال می خوانیم: به جای شمع کافوری چراغ

از نفت می سوزد.

امثال و حکم دهخدا